

## نقش جبل عامل

### در گسترش

### فرهنگ اهل بیت (ع)

علی اکبر مهدی پور

یک آسمان ستاره

در گذر تاریخ، هزاران هزار شب پر خاطره در بایگانی حافظه زمان به ثبت رسیده، که تنها یک شب به بلندای زمان ثبت شده، که شب قدر نام گرفته، در منطق وحی از هزار ماه برتر<sup>۱</sup> و شبی «مبارک»<sup>۲</sup> معرفی شده است.

در میان ملیون ها قطعه از قطعات زمین، تنها یک قطعه آن سعادت را پیدا کرده که زادگاه حجت خدا شود، بیت خدا نامیده شود و منطق وحی از آن «مبارک» یاد کند.<sup>۳</sup>

در طول قرون و اعصار، در میان ملیون ها پیوند مبارکی که در میان انسان ها منعقد می شود، تنها پیوند یک بانو در آسمان ها بسته شده و در نزد پروردگار «مبارک» نامیده شده است.<sup>۴</sup>

در میان ملیون ها سیر و سفر تنها یک سفر بر فراز براق انجام پذیرفته، آن هم آن چنان سفر پر میمنت و پر برکتی بوده که نه تنها مبدء و مقصد، بلکه پیرامون آن نیز کانون خیر و برکت شده است، چنان که منطق وحی فرموده:

سبحان اللّٰی اسرى بعبدہ لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الَّذی بارکنا حوله؛ پاک و منزّه است آن خدایی که بنده اش را شبی از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی، که پیرامونش را برکت داده ایم، سیر داد.<sup>۵</sup>

در میان ده ها شهر و شهرکی که در پیرامون مسجد الاقصی قرار دارد هیچ نقطه ای به برکت جبل عامل نیست، که به توفیق

الهی در این نوشتار به گوشه هایی از آن اشاره خواهد شد. در قرآن کریم اشاره لطیفی به این جهت است و آن فزای از آیه شریفه نور می باشد، آنجا که می فرماید:

کأنها کوکب درّی یوقد من شجرة مبارکة زیتونه؛ همانند اختر فروزانی که از درخت با برکت زیتون مشتعل می گردد.<sup>۶</sup> جبل عامل با درخت زیتون پیوند ناگسستنی دارد و در تورات از این منطقه به بلاد زیتون یاد شده است.<sup>۷</sup>

برکت جبل عامل تنها به جهت آب ها، رودخانه ها، میوه ها، درختان،<sup>۸</sup> صنوبرهای سر به فلک کشیده و زیتون های پر بار و گرانبهایش نیست، حتی تنها به جهت استقرار پیامبران و فرود فرشتگان<sup>۹</sup> نیست، بلکه به دانشوران بی نظیر و فرهیختگان بی بدیلی هم است که از این منطقه برخاسته، سرتاسر جهان اسلامی را با تعالیم عالیه اسلام و معارف والای اهل بیت آشنا نموده اند، که تعبیر «یک آسمان ستاره» در مطلع این نوشتار، اشاره به رقم بالا و فروغ جهان افروز اختران تابناکی است که از این سرزمین برخاسته اند.

راز و رمز این همه قداست

مفسران در تفسیر آیه شریفه یا قوم ادخلوا الارض المقدسة التي کتب الله لکم؛ ای قوم به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقدر فرموده است داخل شوید<sup>۱۰</sup> فرموده اند که منظور از سرزمین مقدس، «شام» است<sup>۱۱</sup> و شام سرزمین پهناوری است که شامل سوریه،

۱. قدر/ ۹۷، آیه ۳.

۲. دخان/ ۴۴، آیه ۳.

۳. آل عمران/ ۳، آیه ۹۶.

۴. طبری امامی، دلائل الامامة، ص ۸۰، ج ۱۹.

۵. اسراء/ ۱۷، آیه ۱.

۶. نور/ ۲۴، آیه ۳۵.

۷. فیلیپ حتّی، تاریخ لبنان، ص ۴۱.

۸. ثعلبی، الکشف والبيان، ج ۶، ص ۵۵.

۹. طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۱۱.

۱۰. مائده/ ۵، آیه ۲۱.

۱۱. بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۳۵۵.

فلسطین، اردن و ... به تعبیر دیگر از فرات تا نیل می باشد.

یاقوت به هنگام شمارش شهرهای مهم شام از «صور» نیز نام می برد. ۱۲ از این رهگذر منطقه جبل عامل جزو اراضی مقدسه است.

شیخ حر عاملی در این رابطه می فرماید: جبل عامل داخل در «ارض مقدسه» و یا مجاور آن می باشد. ۱۳

اهل مصر سرزمین خود را مقدس می پندارند، و لکن آن جا مقدس نیست و لذا خداوند به حضرت موسی (ع) وحی نمود که عظام حضرت یوسف (ع) را از آنجا بیرون ببرد ۱۴ و چون سرزمین شام مقدس بود، امر فرمود که به آن جا حمل کند. ۱۵

مفسران درباره سرزمین مقدس به اختلاف سخن گفته اند، از دمشق، فلسطین، اردن و بیت المقدس نام برده اند ۱۶ که جبل عامل مشمول آن یا مجاور آن خواهد بود، ولی در مورد راز و رمز قداست و شرافت آن، همه متفق القولند که این همه قداست به برکت مقدم صحابی جناب ابوذر غفاری به این سامان می باشد؛ لذا پیشینه تشییع در سرزمین جبل عامل به جز حجاز از همه بلاد کهن تر و با سابقه تر می باشد.

#### سیمای جبل عامل در غیبت و ظهور حضرت قائم (ع)

از دست نویس شهید اول نقل شده که ابن بابویه (پدر شیخ صدوق) روایت کرده که از امام صادق (ع) درباره وضع مردم در عهد غیبت و قیام حضرت -بقیه الله ارواحنا فداه- پرسیدند، حضرت فرمود: دوستان و شیعیان حقیقی او کسانی اند که از او امر امامان خود پیروی کنند، از شیوه آنان منحرف نشوند و به دستورات آنها عمل کنند.

سپس فرمود: یکی از بلاد شام می باشد.

عرضه داشتند که بلاد شام بسیار گسترده است؟

فرمود: شهری است در نواحی «شقیف اوتون»، ۱۷ خانه ها و دشت هایی است در مناطق سبز و خرم، در کرانه ها و کوهپایه ها. گفتند: آیا اینها شیعیان شما هستند؟

فرمود: آری اینها شیعیان واقعی، یاران، برادران، مواسات کنندگان با غریب ما، حافظان اسرار ما، دل نازکان برای ما و سخت دلان بر دشمنان ما می باشند. آنها چون سکاندار کشتی در زمان غیبت ما می باشند، هر منطقه ای خشک و بی حاصل می شود، ولی سرزمین آنها هرگز، و به آنها هرگز صاعقه فرو نریزد. آنها امر به معروف و نهی از منکر می کنند، آنها حقوق خدا را می شناسند و در میان برادران ایمانی مساوات را رعایت کنند. زنده و مرده آنها مورد مغفرت خداوند قرار می گیرد؛ سیاه و سفید، زن و مرد، برده و آزاد آنها آمرزیده می شوند. در میان آنها مردان منتظر پیدا می شود و خداوند منتظران را دوست دارد. ۱۸

#### در مکتب ابوذر

شیعیان جبل عامل درس شهادت و شجاعت و صلابت و صداقت را در مکتب عاشق شیدا و شیفته دلباخته مولای متقیان امیر مؤمنان (ع)، جناب ابوذر غفاری آموخته اند.

ابوذر همان سلحشور پرشوری است که به هنگام ترک مدینه به جرم حق گوئی و حق پویی، چون دیدگانش به جمال مولای متقیان و دو سرور جوانان بهشت روشن گردید، عرضه داشت:

اللهم انی احبهم ولو قطعت ارباً ارباً فی محبتهم؛ خدایا من اینها را دوست می دارم، اگر چه در راه محبت اینها قطعه قطعه شوم. ۱۹

ابوذر در مدینه برای محبت اهل بیت و صراحت در گفتار و صداقت در کردار به شام تبعید شد و هنگامی که حضورش در دمشق بر معاویه سنگین شد، او را به منطقه جبل عامل تبعید نمود. ابوذر در منطقه جبل شب و روز به نشر معارف اهل بیت پرداخت و فضایل اهل بیت را برای مردم حق جو بیان کرد و دل های مستعد را مالا مال از عشق سوزان و محبت بی پایان به پیشوای پروا پیشگان ساخت و تعداد زیادی از اهالی جبل عامل به دست او شیعه شدند.

هنگامی که معاویه از تأثیر شگفت حضور او در جبل عامل آگاه شد او را دوباره به دمشق باز گردانید.

شاهد صدق این گفتار وجود دو مسجد در جبل عامل به نام «ابوذر» در دهکده «میس» و روستای «صرفند» می باشد. ۲۰ ابوذر در دمشق به امر به معروف و نهی از منکر ادامه داد و آن بر معاویه سخت گران آمد. و لذا به عثمان نوشت:

اگر به شامات نیاز داری ابوذر را از این منطقه ببر، که می ترسم شامات را علیه تو بشوراند. ۲۱ معاویه در این نامه تصریح کرده که دیگر تحمل ابوذر بر من سخت شده است. ۲۲

۱۲. حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۱۲.

۱۳. شیخ حر عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۱۱.

۱۴. حمیری، قرب الاسناد، ص ۲۷۵، ح ۱۳۳۰.

۱۵. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۳۷، ح ۱۴۴.

۱۶. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۷۶.

۱۷. یاقوت آن را شقیف ارنون ضبط کرده است «حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۵۶».

۱۸. شیخ حر عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۱۶.

۱۹. سید محسن امین، احیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۳۸.

۲۰. همان.

۲۱. همان، ص ۲۳۹.

۲۲. طبری، التاريخ، ج ۳، ص ۲۳۵.



ابوذر غفاری با توجه به تأثیر شگرفی که در این منطقه از خود به یادگار نهاده بود از آن ایام به زیبایی یاد می کرد. هنگامی که ابوالاسود دثلی در ربذه به محضر ابوذر شرفیاب شده از او پرسید که آیا شما با اختیار خود به این سامان آمده ای؟ ابوذر در پاسخ گفت: من در یکی از مرزهای اسلام مرزبانی می کردم، از آن جا مرا به مدینه آوردند، مدینه نیز هجرت سرا و کانون دوستانم بود، از آن جا نیز به این سامان آورده اند.<sup>۲۳</sup>

بسیاری از محققان تصریح کرده اند که تشیع اهالی جبل عامل به تبعید ابوذر به این روستاها مربوط می شود و شیعیان جبل، تشیع خود را وامدار جناب ابوذر می باشند. و اینک بخش هایی از گفتار بزرگان:

۱. شکیب ارسلان: یکی از مسلمات تاریخ است که بعد از حجاز، قدیمی ترین نقطه ای که تشیع در آن وجود داشته جبل عامل است.<sup>۲۴</sup>

۲. شیخ حر عاملی: هنگامی که عثمان ابوذر را به جبل عامل تبعید کرد، چند روزی در آن جا اقامت نمود، عده ای با رهنمونی وی به تشیع گرویدند، لذا او را معاویه به دهات فرستاد، او نیز در جبل عامل اقامت گزید.<sup>۲۵</sup>

۳. شیخ احمد رضا، صاحب متن اللغة: جناب ابوذر در مواقعی که به کرانه دریا می رفت، در روستای «صرفند» در نزدیکی صیدا توقف می نمود که تاکنون به عنوان «مقام ابوذر» شناخته می شود و در «میس» نیز مقامی دارد که هنوز معروف است. هر دو مقام در جبل عامل قرار دارند.<sup>۲۶</sup>

۴. سید محسن امین در این رابطه می فرماید: مشهور است که تشیع اهل جبل عامل به دست ابوذر بود، او به شام تبعید شد، پس از درگیری با معاویه به دهات تبعید شد، پس به نشر فضایل اهل بیت پرداخت و اهالی جبل به دست او به تشیع گرویدند.<sup>۲۷</sup>

۵. شادروان سید حسن امین نیز در این رابطه می نویسد: اهالی جبل عامل تشیع خود را مرهون ابوذر غفاری می دانند و معتقدند که به هنگام تبعید او به شام، معاویه او را به این منطقه تبعید نمود، او نیز بذر تشیع را در این بلاد پاشید، آن نیز جوانه زد و رشد نمود و ریشه دوانید و ثمرات پرباری به جهان اسلام تقدیم نمود. این درخت تناور تاکنون سرسبز است و جهان را تحت پوشش دارد.<sup>۲۸</sup>

#### معمار تفکر شیعی در جبل عامل

پس راز و رمز قداست جبل عامل به پایه گذار مکتب تشیع در مناطق جبل، جندب بن جناده، ابوذر غفاری برمی گردد؛ اینک اشاره ای کوتاه به شخصیت والای ابوذر:

۱. رسول اکرم (ص) فرمود: خداوند چهار تن از اصحابم را

دوست می دارد و به من امر فرموده که آنها را دوست بدارم. پرسیدند: آنها کیانند؟

فرمود: علی و ابوذر غفاری و سلمان فارسی و مقداد بن اسود کندی.<sup>۲۹</sup>

۲. امام صادق (ع) فرمود: بهشت مشتاق چهار نفر است، که عبارتند از: سلمان، ابوذر، مقداد و عمار یاسر.<sup>۳۰</sup>

۳. چهار تن در عهد پیامبر «شعبة امیر مؤمنان» شناخته می شدند، آنها عبارت بودند از: سلمان و ابوذر و مقداد و عمار یاسر.<sup>۳۱</sup>

۴. جبرئیل امین به محضر مقدس رسول اکرم (ص) عرضه داشت: ابوذر دعایی دارد که همواره آن را می خواند، این دعا در میان اهل آسمان مشهور است، هنگامی که من عروج کردم از او پرس.

هنگامی که پیامبر اکرم آن را پرسید، عرضه داشت: من همواره بر این دعا مداومت دارم:

اللهم اِنِّی اَسْأَلُکَ الْاَمْنَ وَالْاِیْمَانَ بِکَ، وَالتَّصَدِیْقَ بِنَبِیِّکَ وَالعَافِیَةَ مِنْ جَمِیعِ الْبَلَاءِ وَالشُّکْرَ عَلَی الْعَافِیَةِ وَالتَّغْنِیَ عَنْ شِرَارِ النَّاسِ.<sup>۳۲</sup>

۵. رسول اکرم (ص) تنها به پایه گذار مکتب شیعه در جبل عامل این مدال افتخار را عنایت فرموده:

مَا أَظَلَّتِ الْخَضِرَاءُ، وَلَا أَقَلَّتِ الْعِجْرَاءُ، مِنْ ذِی لَهْجَةٍ أَصْدَقَ مِنْ ابْنِ ذُرٍّ؛ آسمان سایه نینداخته و زمین بر فراز خود حمل نکرده صاحب گویشی را که از ابوذر راستگوتر باشد.<sup>۳۳</sup>

۶. از مولای متقیان پرسیدند که از ابوذر برای ما سخن بگو. فرمود: وعی علماً ثمَّ عجز فیه؛ آن قدر دانش اندوخت که در آن ناتوان شد.<sup>۳۴</sup>

۲۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۶۰.

۲۴. شیخ حر عاملی، امل الأمل، ج ۱، ص ۱۳.

۲۵. شیخ محمدتقی فقیه، جبل عامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۵۴.

۲۶. آکشیخ محمدجواد آل فقیه، ابوذر الغفاری، ص ۷۸.

۲۷. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۳۸.

۲۸. سید حسن امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۶، ص ۱۳۳.

۲۹. احمد حنبل، المسند، ج ۵، ص ۳۵۱.

۳۰. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۱۲.

۳۱. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۷.

۳۲. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۸۷، ح ۲۵.

۳۳. احمد حنبل، المسند، ج ۵، ص ۱۹۷.

۳۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۴۶.

ابن اثیر در لباب گفته: صحیح آن است که «عامله» فرزند حارث بن عدی بن حارث بن مُرّة بن اُدّ بن زید بن یسجُب بن عَرِیب بن زید بن کهلان بن سبأ بن یسجُب بن یعرب بن قحطان می باشد.<sup>۴۱</sup>

در کتاب العرب قبل الاسلام منسوب به اصمعی آمده است: «عامله» ای که جبل عامل به او منسوب است عامله بن حارث بن مالک بن ربیعہ می باشد.<sup>۴۲</sup>

تیره عامله به ذنبال سیل بنیان کن یمن، زادگاه خود را ترک نمودند و در کوهپایه ای که بعدها به نام آنان (جبل عامل) نامیده می شود، در کرانه های دریای مدیترانه مسکن گزیده اند.<sup>۴۳</sup> ظاهراً این قبیله نخست در جنوب غربی بحر میت از دیار شام فرود آمده، سپس به سوی شمال کوچ کرده، پس از فتح منطقه به دست سپاهیان اسلام در این کوهپایه ها اقامت گزیده اند.<sup>۴۴</sup>

#### نژاد عرب در جبل عامل

آنچه مسلم است این است که در سال ۳۳۳ قبل از میلاد، یعنی قبل از محاصره صور به دست اسکندر، در این منطقه ملت عرب ساکن بودند، ولی از مبدأ آن سرنخی وجود ندارد.

یکی از مورخان غربی می نویسد: در اثنای محاصره صور به اسکندر خبر آوردند که سی تن از افرادش را تعدادی از عرب لبنانی کشته اند.<sup>۴۵</sup>

یک مورخ رومانی می نویسد: مقدونی ها به کشاورزان جبل لبنان هجوم بردند و سی تن از آنها را کشتند و گروهی را اسیر گرفتند.<sup>۴۶</sup>

اسدرستم در همین رابطه می نویسد: در ایامی که اسکندر صور را محاصره کرده بود، روزی به شکار رفت، در منطقه

مولای پروا پیشگان در یک عبارت کوتاه، میزان دانش ابوذر و نامساعد بودن زمان را از نشر چنین دانش بی کران ترسیم نموده است.

۷. ابوذر به هنگام ارتحال در تبعید گاهش ریزه به همسرش فرمود: رسول اکرم (ص) به من خبر داده که من در صحرا از دنیا می روم، گروهی از مؤمنان مرا تشییع می کنند، پس به آنها بگو ابوذر وصیت کرده که هر کس از طرف این نظام فاسد پستی قبول کرده یا کاری برای آن انجام داده، مرا کفن نکند.

پس از ارتحال مظلومانه او در سرزمین غربت، جمعی از اهالی یمن که حجر بن عدی و مالک اشتر در میان آنها بودند فرار شدند، برای او گریه فراوان نمودند، سپس از مال پاک و بی آرایش خود او را کفن کردند.<sup>۳۵</sup>

۸. پیامبر رحمت او را خیر داده بود که تنها زندگی می کند، تنها می میرد و تنها برانگیخته می شود.<sup>۳۶</sup>

۹. امیر مؤمنان (ع) به هنگام تبعید شدن ابوذر به ریزه خطبه ای القا نموده اند که در نهج البلاغه آمده است، در فرازی از آن می فرماید:

یا اباذر، انک غضبت لله، فارح من غضب له، ان القوم خافوک علی دنیاهم، و خفتهم علی دینک؛ ای اباذر، همانا تو برای خدا به خشم آمدی، پس به کسی که برای او خشم گرفتی امید بیند. آنها برای دنیای خود از تو ترسیدند، ولی تو برای دین خود از آنها ترسیدی.<sup>۳۷</sup>

۱۰. امام حسن و امام حسین (ع) همواره ابوذر را عمو خطاب می کردند، از جمله به هنگام مشایعت وی به سوی ریزه، هر کدام سخنی بیان کردند و هر دو «یا عمّاه» خطاب فرمودند.<sup>۳۸</sup> فضایل برجسته و مناقب شایسته معمار بزرگ اندیشه شیعی در جبل عامل بیرون از شمار است، به نمونه های یاد شده بسنده نموده، علاقمندان را به کتب سیره و تاریخ و تراجم و حدیث حواله می نمایم.

#### پیشینه جبل عامل

جبل عامل در اصل «جبال بنی عامله»، سپس برای تخفیف به «جبال عامله» بعداً به «جبل عامله» و سرانجام به «جبل عامل» تغییر یافت.<sup>۳۹</sup>

برخی از علمای انساب «عامله» را از عمالقه پنداشته<sup>۴۰</sup> ولی

۳۵. همان، ج ۴، ص ۲۲۴.

۳۶. واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۱۰۰۰.

۳۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۰.

۳۸. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۵۳.

۳۹. سید حسن امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۶، ص ۱۳۲.

۴۰. سمعانی، الأنساب، ج ۸، ص ۳۲۸.

۴۱. ر. ک: ابن حزم، جمهرة الأنساب، ص ۴۱۹؛ آمدی، المؤلف

والمختلف، ص ۱۶۶؛ ابن اثیر، اللباب، ج ۲، ص ۳۰۷.

۴۲. سید حسن امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۶، ص ۱۳۲.

۴۳. ر. ک: زبیدی، تاج العروس، ج ۸، ص ۳۵۱؛ صبح الأهلی، ج ۱،

ص ۳۳۶.

۴۴. علی مروءة، تاریخ جیاع، ص ۲۳.

۴۵. ف. م. ابل، ریشو بیلیک، ص ۵۴۱.

۴۶. کتوس کورنیوس، تاریخ اسکندر، ص ۴۱-۴۵.

تبنین یک مرتبه خود را در میان قوم عرب دید. ۴۷  
 دکتر یوسف حرانی در پژوهش خود درباره بناهای تاریخی  
 جنوب لبنان به این نتیجه رسیده که ۱۳۰۰ سال قبل از میلاد در  
 این منطقه ساکن بود. ۴۸

### محدوده جبل عامل

جبل عامل از شمال به «نهر اولی»، از جنوب به «دماغه ابیض»،  
 از غرب به «دریای مدیترانه»، از شرق به دریاچه «حوله» محدود  
 می‌باشد. بستر رودخانه «لیطانی» جبل عامل را به دو بخش  
 شمالی و جنوبی جدا می‌سازد.

بخش شمالی شامل شقیف و شومر و تفاح و بخش جنوبی  
 شامل: تبنین، هونین، فانا و معرکه می‌باشد. جبل عامل شامل  
 قرا و قصبات فراوانی است که از آن جمله است:

ابی سوار، اره، اقبلان هونین، أنصار، باتولیه، بارون،  
 بانیاس، برامیه، برجین، برزه، بشارة، بصة، بعلبک، بنت  
 جمیل، بصلبا، تبنین، تریخا، تفاح، تولین، جبشیت، جبع،  
 جبّین، جبل تومات، جرجوع، جزین، جرنابا، حاصبیا،  
 حبدای، حبطوره، حوله، حومیس الفوقا، دریاچه حوله،  
 رودخانه لیطانی، زحلنا، زلایه، سنیا، شبعما، شالوف جزین،  
 شحور، شدغیث، شقراء، شقیف، شمع، شوم، صفد،  
 صلحا، صور، صیدا، طیرحرفا، طیردبا، عبثیث، عبثا،  
 عشرون، عکا، عیثا، عیثرون، عینا، عین ابوسوار، عین  
 زراب، عین فانا، غرویه، فانا، فجور، قاسیه، قدس، قشیب،  
 کرک، کفر، کفرا، کفر نوئی، کفر عما، کفر عیما، کفرمان،  
 کفر ملکی، کفر فیلا، کفر حتی، کفعم، لویزی، مالکیه،  
 مجدل زون، مرجعیون، معرکه، مشغر، میس، نبطیه، نبطیه  
 الفوقا، وادی التیم، وادی جزین، وادی السرو، وادی قرن،  
 وادی فارة، هراوی، هونین، یارین، یافا، یوشع، یونین. ۴۹

شمار دیگری از روستاهای جبل عامل هست که برخی از  
 علمای جغرافی آنها را بیرون از محدوده جبل عامل دانسته‌اند،  
 جز این که شخصیت‌های برخاسته از آنها نسب عاملی دارند، و  
 به جبل عامل نسبت داده می‌شوند، آنها عبارتند از:

برغز، جبل الظهر، حاصبانی، خالصه، رودخانه تینه،  
 سحمر، سوق الخان، قلیه، کوکبا، لوسه، مقام یوشع، یحمر. ۵۰  
 در مورد شرافت و قداست جبل عامل سخن گفتیم، اضافه  
 می‌کنیم که حضرت عیسی (ع) شخصاً به این منطقه تشریف فرما  
 شده، در صور و صیدا حضور یافته است. ۵۱

پولس رسول نیز به مدت یک هفته در صور اقامت نموده  
 است. ۵۲

### سیمای جبل عامل

مناظر طبیعی، کوهپایه‌های سرسبز، کرانه‌های روح افزا،  
 برج‌ها و قلعه‌های زیبا، و دیگر جاذبه‌های جبل عامل مورد  
 توجه جهانگردان در طول تاریخ بوده، صفحات زرین بسیاری از  
 سفرنامه‌ها را به خود اختصاص داده است.

دکتر ادوارد روبنسون<sup>۵۳</sup> در خاطرات ارزشمند خود که به سال  
 ۱۸۳۸ میلادی آن را نوشته و اسد شیخانی آن را در ۱۹۴۹ به عربی  
 برگردانده، می‌نویسد: کوهپایه‌ای که جباع بر آن قرار دارد،  
 بسیار زیبا و دل‌انگیز است، با درختان میوه پوشیده شده، بسیار  
 سرسبز و با صفا است، گاهی از لابه لای درختان اشعه خورشید  
 خودنمایی می‌کرد و بر صفای مناظر زیبای جباع می‌افزود. گاهی  
 نم‌باران در آن فضای روح افزا روح انسان را جلا می‌داد و نسیم  
 دل‌انگیز آب و هوای کوهستانی آدمی را به وجد می‌آورد.  
 جباع قبلاً قصبه اقلیم التفاح بود و همه ساکنان آن شیعه  
 هستند.

سپس توضیح می‌دهد که ارتفاع جبل عامل در منطقه جباع از  
 سطح دریا به ۲۴۸۴ پا می‌رسد. کاخ‌های زیبایی بر فراز این  
 تپه‌ها در گذشته بوده، که محل سکونت شیوخ منطقه بوده، ولی  
 اکنون به آثار باستانی تبدیل شده است.

به جهت آب و هوای لطیف منطقه ثروتمندان اروپا، امثال  
 دکتر فاندیک و دکتر تامسون گوشه‌هایی از این کاخ‌ها را بازسازی  
 نموده، تعطیلات تابستانی را در این کاخ‌ها سپری می‌کنند. ۵۴

منطقه جبل عامل، باغ‌های میوه و تاکستان‌های فراوان و  
 صنوبرهای سر به فلک کشیده و درختان بسیار ممتاز زیتون، بر  
 فراز کوهپایه‌های مشرف بر دریا، چشمه سارهای شیرین با  
 ویژگی‌های طبی به ویژه برای دفع سنگ کلیه و تاکستان‌های

۴۷. سید حسن امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعة، ج ۶، ص ۱۳۵.

۴۸. همان، ص ۱۳۶.

۴۹. دکتر آنسه فریحه کتابی به نام اسماء القرى والمدن اللبانیة وتفسیر  
 معانیها دارد که متأسفانه دسترس پیدا نکردیم.

۵۰. سید حسن امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعة، ج ۶، ص ۱۳۲.

۵۱. عهد جدید، انجیل متی، ۱۲/۱۵؛ انجیل مرقس، ۷/۲۴-۳۱.

۵۲. عهد جدید، اعمال رسولان، ۲۱/۳-۴.

53. Edward Robenson.

۵۴. ادوارد روبنسون، یومیات فی لبنان، ج ۱، ص ۱۳۸.

همین دلیل در طول قرون و اعصار برای در امان ماندن از مخالفان خود به این منطقه پناه آورده اند.

### کهن ترین پایگاه تشیع

اسلام در سال سیزدهم هجری یعنی دو سال پس از شهادت رسول اکرم (ص) وارد منطقه جبل عامل شده<sup>۶۱</sup> و نخستین شهری که در این منطقه فتح شده «بعلبک» می باشد. ۶۲ آن گاه با تبعید ابوذر غفاری به این سامان، محبت خاندان عصمت و طهارت با سرشت اهالی این منطقه عجین شده است. و اینک چهارده قرن تمام از انتشار معارف اهل بیت (ع) در این منطقه می گذرد.

اگرچه پیش از جبل عامل عاشقان و دلباختگان بسیاری در حجاز به این خاندان شیفته و دلباخته بودند، ولی هرگز حجاز پایگاه تشیع نبود و لذا به جرأت می توان گفت که جبل عامل کهن ترین پایگاه شیعه در جهان می باشد، لذا همواره مورد تهاجم دشمنان اهل بیت در طول قرون و اعصار بود.

نگاهی گذرا به تاریخ جبل عامل عمق این فاجعه ها را نشان می دهد. به همین منظور برخی از مورخان حوادث خونبار منطقه جبل عامل را به صورت قرن-قرن به رشته تحریر در آورده اند، که از آن جمله است:

۱. جبل عامل فی قرن از حمیدرضا رکنی؛<sup>۶۳</sup>
  ۲. جبل عامل فی قرنین از شیخ علی سبیتی؛<sup>۶۴</sup>
  ۳. الوضع الحاضر فی جبل عامل از علامه شیخ محمد جواد مغنیه؛
  ۴. جواهر الحکم از شیخ محمد مغنیه، جد شیخ محمد جواد مغنیه؛
  ۵. خطط جبل عامل از سید محسن امین عاملی.
- انتشار معارف اهل بیت موجب شد که جبل عامل بزرگ ترین آکادمی معارف شیعی را در خود جای دهد و تشنگان معارف اسلامی از چهار گوشه جهان به سوی آن روی آورند و در نتیجه کتابخانه های بزرگی در آن تأسیس شد، که گزارش برخی از آنها به قرار زیر است:

۵۵. علی مروء، تاریخ جباع، ص ۲۵.
۵۶. عهد قدیم، اشعانی، ۱۳/۶۰.
۵۷. فیلیپ حتی، تاریخ لبنان، ص ۴۳.
۵۸. سید حسن امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۶، ص ۱۳۷.
۵۹. فیلیپ حتی، تاریخ لبنان، ص ۹.
۶۰. همان.
۶۱. سید حسن امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۶، ص ۱۳۶.
۶۲. فیلیپ حتی، تاریخ لبنان، ص ۲۹۲.
۶۳. مجله العرفان، ج ۲۸، ص ۹۵۳، ج ۱۹۳۹ م.
۶۴. فشرده آن: سید حسن صدر، تکملة اهل الامل، ص ۴۴۹-۴۶۵.

فوق العاده، به ویژه انگور سیاه مشهور به «زوطرانی»، یکی از زیباترین مناطق تفریحی و دیدنی جهان به شمار می آید.<sup>۵۵</sup> بهترین نوع صنوبر جهان در لبنان است و مجد دیرینه لبنان با آن گره خورده و در جای جای عهد عتیق از آن سخن به میان آمده است.<sup>۵۶</sup>

همه ساله ده ها جهانگرد برای تماشای آنها به جبل آمده، برای آنها شناسنامه نوشته، در منابع تحقیقی خود ثبت می کنند.<sup>۵۷</sup>

### وضع استراتژی جبل عامل

جبل عامل با کوه های سر به فلک کشیده، از نظر استراتژی اهمیت بسیار ویژه ای دارد، زیرا رشته کوه های جبل عامل حلقه اتصال کوه های دروز، فلسطین و سوریه می باشد، از این رهگذر هر گونه نقل و انتقال نظامی در منطقه آن جا را تحت تأثیر قرار می دهد و به تعبیر دیگر جبل عامل می تواند در حوادث منطقه نقش مهمی را ایفا کند.

موقعیت استراتژیکی جبل عامل موجب استحکام برج ها و باروها و قلعه های فراوان در کرانه ها و کوهپایه ها شده و در نتیجه قلعه های مستحکمی چون: شقیف و تبین در آن سامان پدیدار گشته است.<sup>۵۸</sup>

وضع سوق الجیشی جبل عامل موجب شده که اهالی آن نیز به صلابت کوه و استواری جبل باشند و برای حفاظت و حراست از عقیده و شرف و ناموس و وطن خود چون کوه ایستاده تا پای جان استقامت نمایند.

اگر بین النهرین با فرات و دجله شناخته می شود و مصر با رود نیل شهرت جهانی دارد، لبنان نیز با کوه های استوارش سرفراز است، کوه هایی که در تاریخ این سرزمین نقش حیاتی دارد.

هر لبنانی به هنگام افتخار و مباهات با پیشینه تاریخی خود می گوید: ما اهل جبل هستیم.<sup>۵۹</sup>

هر اقلیتی که جامعه اش نتواند او را تحمل کند، از کوهپایه های جبال لبنان برای خود محل امن و پناهگاه مطمئن اخذ می کند.

به همین دلیل طوایف مختلف شیعی در طول قرون و اعصار به این سمت و سوی پناه آورده، به این وسیله از فشارها و تهاجمات حکومت های ستم پیشه در امان مانده اند.<sup>۶۰</sup> صوفیان، راهبان، دروز، مارونی ها، آسوری ها و ... نیز به

۱. کتابخانه آل ابراهیم؛
۲. کتابخانه آل امین؛
۳. کتابخانه آل حر؛
۴. کتابخانه آل خاتون؛
۵. کتابخانه آل زین؛
۶. کتابخانه آل سبیتی؛
۷. کتابخانه آل شرف الدین؛
۸. کتابخانه آل صغیر؛
۹. کتابخانه آل فضل الله؛
۱۰. کتابخانه آل قیسی؛
۱۱. کتابخانه آل مروء؛
۱۲. کتابخانه آل نور الدین. ۶۵

ابودواد، عدی بن زید بن مالک بن عدی بن رفاع عاملی، مشهور به «عدی بن رفاع»، شاعر فرزانه قرن اول هجری، شاعر دربار امویان بود و به قول «صلاح الدین کتبی»<sup>۷۱</sup> به سال ۹۵ قمری در گذشته است. ۷۲

ابن عساکر نسب او را تا عامله بر شمرده و او را از تبار همان «عامله» دانسته که عاملی ها از تبار او می باشند. ۷۳ قدرت شعری او در حدی بود که «جریر»<sup>۷۴</sup> شاعر نامی دربار اموی بر او حسد ورزید و خود به آن اعتراف نمود. ۷۵

داستان های او با جریر در دربار خلفا در منابع فراوان آمده است. ۷۶ او قصیده ای در مورد «عین» (چشم) دارد که به قول «ثعلب»<sup>۷۷</sup> قوی ترین شعری است که در این رابطه سروده شده است. ۷۸

پیدایش ادیبی برجسته و شاعری شایسته چون عدی بن رفاع، نشانگر آن است که جبل عامل در قرن اول هجری مرکز فرهنگ و ادب بوده که شاعر گرانمایه ای چون او در میان دیگر شاعران و ادیبان آن مرز و بوم از میان آنها برخاسته است.

۶۵. محمد جابر، تاریخ جبل عامل، ص ۱۷؛ سید حسن امین، خطط جبل عامل، ص ۱۵۸.

۶۶. علی مروء، تاریخ جباس، ص ۲۹.

67. Pays du Mutualis.

۶۸. سید حسن امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۶، ص ۱۳۷.

۶۹. ر. ک: همان، ص ۱۳۷-۱۵۰.

۷۰. همان، ص ۱۳۶.

۷۱. صلاح الحدین، محمد بن شاکر بن احمد بن عبدالرحمن کتبی، متوفای ۷۶۴ قمری، صاحب قوای الوقیات.

۷۲. صلاح الدین، هیون التواریخ، ج ۵، ص ۱۰۴.

۷۳. ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۶، ص ۳۲۲.

۷۴. جریر بن عطیه بن حذیفه خطفی، متوفای ۱۱۰ قمری معاصر فرزذق و همسنگ او در قدرت شعری و به قولی قوی ترین شاعر جهان اسلام «مدرس، ریحانة الادب، ج ۱، ص ۴۰۴».

۷۵. ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۶، ص ۳۲۲.

۷۶. ابوالفرج اصفهانی، الألهانی، ج ۱، ص ۳۰۷ و ج ۸، ص ۱۷۹؛ دیوان جریر، ج ۲، ص ۱۰۳۴.

۷۷. ابوالعباس، احمد بن یحیی بن زید بن سبار، مشهور به ثعلب، متوفای ۲۹۱ ق، ادیب و شاعر معروف قرن سوم «مدرس، ریحانة الادب، ج ۱، ص ۳۶۵».

۷۸. ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۶، ص ۳۲۴.

سوکمندانه باید عرض کنیم که همه این آثار در حمله ددمنشانه احمدپاشا جزار به سال ۱۱۷۵ قمری طعمه حریق گردید.

همه کتاب های کتابخانه های یاد شده و دیگر آثار مکتوب موجود در بیوتات علمی و کهن ینما شده، بر فراز اشتران به سوی عکا حمل گردید و در آن جا در میان آشپزها و نانوائی ها و حلواپزها تقسیم شد و شش روز تنورها را با این آثار نفیس و منحصر به فرد مشتعل نمودند. ۶۶

برای توجه خوانندگان گرامی به عمق فاجعه، یادآور می شویم که تنها در کتابخانه آل خاتون پنج هزار نسخه خطی نفیس وجود داشت که همگی طعمه حریق شد و در آتش بیداد سوخت.

اکثریت قاطع جبل عامل در طول چهارده قرن شیعه و شیفته خاندان عصمت و طهارت بودند؛ نویسندگانی که قلمشان آلوده بود و نمی خواستند عنوان پاک و مقدس شیعه را با قلم های ناپاک خود بر روی صفحات ننگین خود ثبت کنند، به این منطقه عنوان «بلاد متأوله» و به شیعیان عنوان: «متأوله» اطلاق نمودند. از این رهگذر در گزارش های رسمی کونسولگری های غربی به کشورهای متبوع خود، همین عنوان<sup>۶۷</sup> رایج شده است. ۶۸

امتناع اهالی جبل عامل از پرداخت مالیات به عمال عثمانی، امتناع آنها از همکاری با نیروهای عثمانی علیه دروزی ها و حرکت های انتحاری آنها در مواقع لازم، از حوصله این نوشتار بیرون است. ۶۹

شاعر فرزانه جبل عامل در قرن اول

شاعر بلندآوازه قرن اول هجری از جبل عامل برخاسته است. «عدی بن رفاع» شاعر معروف امویان که با جریر و فرزذق شاعر پهلو به پهلو می زد اهل «شقرا» از قرای جبل عامل بود. ۷۰

الشامی» یاد کرده می‌فرماید: از اصحاب امام صادق (ع) است، در کتب رجال یاد شده، هیچ نکوهشی از او نشده، بلکه ستایش هم شده است. احادیث بسیاری روایت کرده و صاحب تألیف است. شیخ صدوق در آخر الفقیه از او یاد کرده و طریقتش را برای او برشمرده است، و به کثرت از او روایت کرده و بر آن اعتماد نموده است.

با توجه به مقدمه کتاب الفقیه روایت و اعتماد او در مدح ابوالربیع کافی است.<sup>۸۹</sup>

دیگر علما و محدثان ما نیز روایاتش را نقل کرده، بر آنها استناد نموده و بر طبق آنها عمل کرده‌اند.<sup>۹۰</sup>

سپس از راه‌های مختلف وثاقت او را اثبات نموده است.<sup>۹۱</sup> صاحب اعیان الشریعه نیز متن فرموده شیخ حر عاملی را نقل کرده است.<sup>۹۲</sup>

برخی از پژوهشگران معاصر نیز او را در میان اصحاب امام صادق (ع) برشمرده‌اند.<sup>۹۳</sup>

بسیاری از علمای رجال نام او را «خلید» ضبط کرده‌اند<sup>۹۴</sup> و گروهی دیگر آن را ترجیح داده‌اند.<sup>۹۵</sup>

برخی از رجالیون نیز شواهد وثاقت او را برشمرده، در پایان بر وثاقت او تأکید نموده‌اند.<sup>۹۶</sup>

۷۹. سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۱۵۵.

۸۰. نجاشی، الرجال، ص ۱۵۳، رقم ۴۰۳.

۸۱. همان، ص ۴۵۵، رقم ۱۲۳۳.

۸۲. شیخ صدوق، الفقیه، ج ۴، ص ۴۹۸.

۸۳. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۷۱، رقم ۸۴۱ والرجال، ص ۱۲۰ و ۳۳۹.

۸۴. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۸.

۸۵. ر. ک: کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۲۶۷؛ شیخ صدوق، الفقیه، ج ۲، ص ۴۱۸؛ شیخ طوسی، التهذیب، ج ۵، ص ۲.

۸۶. سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۱۲.

۸۷. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۳۸۶.

۸۸. همان، ص ۴۰۲.

۸۹. شیخ صدوق در مقدمه کتاب الفقیه می‌نویسد: من در این کتاب از سیره دیگر محدثان پیروی نکردم، که آنچه روایت کرده‌اند در کتاب خود می‌آورند، بلکه در این کتاب تنها احادیثی را آوردم که بر آنها اعتماد کرده، بر اساس آنها فتوا می‌دهم، بر صحت آنها تأکید می‌کنم و آنها را در بین خود و خدا حجت می‌دانم «ج ۱، ص ۳».

۹۰. شیخ حر عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۸۲.

۹۱. همان.

۹۲. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۳۴۸.

۹۳. شستری، الفائق فی رواته واصحاب الامام الصادق، ج ۱، ص ۵۰۱، رقم ۱۰۲۴.

۹۴. علامه حلی، ابصاح الاشتهار، ص ۱۷۳، رقم ۲۵۴؛ علامه مجلسی، الوجیزه، ص ۷۴، رقم ۶۸۹.

۹۵. اردبیلی، جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۸۹، رقم ۲۲۷۵.

۹۶. زنجانی، الجامع فی الرجال، ج ۱، ص ۷۰۶.

### محدث گرانمایه جبل عامل در قرن دوم

یکی از شاگردان بلند پایه امام صادق (ع) اهل جبل عامل بود. ابوالربیع عاملی از شاگردان برجسته امام صادق (ع) روایات فراوانی از امام باقر و امام صادق (ع) روایت کرده که ۴۳ مورد از آنها را آیت الله خویی احصا کرده است.<sup>۷۹</sup>

در کتبه و نسبت او شکی نیست، همه علمای رجال نسبت او را «عَنْزِي» و کتبه اش را «ابوالربیع» ثبت کرده‌اند، ولی در نام او اختلاف است، برخی نامش را «خالد» و برخی دیگر «خُلید» ضبط کرده‌اند.

نجاشی (مقدم علمای رجال) از او به «ابوالربیع خلید بن اوفی عنزی» نام برده، در ضمن گفته است: از امام صادق (ع) حدیث روایت کرده و کتابی دارد که آن را عبدالله بن مُسکان از او روایت کرده است. سپس طریق خود را تا عبدالله مُسکان برشمرده است.<sup>۸۰</sup>

نظر به این که او همه جا به کتبه معروف است، نجاشی یک بار دیگر او را در باب «من اشتهر بکنیته» نام برده و کتابش را از طریق خالد بن جریر روایت کرده است.<sup>۸۱</sup> شیخ صدوق نیز در مشیخه خود از او نام برده و طریقتش را به او برشمرده است.<sup>۸۲</sup>

شیخ طوسی او را در میان اصحاب امام باقر و اصحاب امام صادق (ع) یاد کرده است.<sup>۸۳</sup>

مرحوم کلینی روایت او را از امام باقر (ع) در کافی شریف آورده است.<sup>۸۴</sup>

مشایخ ثلاثه روایتش را از امام صادق (ع) به کثرت روایت کرده‌اند.<sup>۸۵</sup>

آیت الله خویی تصریح کرده که طریق شیخ طوسی تا ابوالربیع صحیح است.<sup>۸۶</sup>

علامه مامقانی وثاقت او را از راه حسن بن محبوب اثبات کرده، زیرا حسن بن محبوب از اصحاب اجماع است، یعنی علمای رجال اجماع کرده‌اند بر این که هر حدیثی تا حسن بن محبوب صحیح باشد آن حدیث محکوم به صحت است، زیرا او هرگز از فرد غیر موثق روایت نمی‌کند، با توجه به روایت حسن بن محبوب از «ابوالربیع»، وثاقت او نیز ثابت می‌شود.<sup>۸۷</sup> ولی بعداً متوجه شده که وحید بهبهانی در تعلیقه بالخصوص توثیق او را نقل کرده است.<sup>۸۸</sup>

شیخ حر عاملی از او به «خلید بن اوفی، ابوالربیع العاملی



یکی دیگر از محدثان برجسته جبل عامل در قرن دوم هجری، ابو عمرو، عبدالرحمن بن عمرو بن یحمد اوزاعی، مشهور به امام اوزاعی است.

وی در سال ۸۸ قمری در بعلبک متولد شد، در بقاع بزرگ شد، سپس به همراهی مادرش به بیروت منتقل شد.<sup>۹۷</sup> اوزاعی و سفیان ثوری و ابوحنیفه هر سه در نزد مالک گرد آمدند. از مالک سؤال شد که کدامین را از نظر دانش و فضیلت برتر یافتی؟ گفت: برترین آنها اوزاعی است.<sup>۹۸</sup>

اوزاعی به زیارت خانه خدا مشرف شد، سفیان ثوری در ذی طوی او را استقبال نمود، افسار شترش را باز کرد و به شانه اش نهاد. در منی نیز او سوار بود، مالک افسار شترش را بر دوش داشت و سفیان ثوری آن را می راند.<sup>۹۹</sup>

ابن منظور صدها نکته و داستان دال بر عظمت و شخصیت اوزاعی را با سلسله اسنادش نقل کرده است.<sup>۱۰۰</sup>

اگرچه اوزاعی پیرو مکتب خلفا بود، ولی پیدایش شخصیت های بزرگی چون «ابوالربیع» از میان شیعیان و امام اوزاعی از میان عامه نشانگر این حقیقت است که در قرن دوم هجری منطقه جبل عامل خاستگاه رجال با فضیلتی در برترین سطح جامعه آن روز بود.

نکته ظریف دیگری که لازم است در این جا به آن اشاره شود این است که اوزاعی تحت تأثیر معارف والای اهل بیت نسبت به دیگر محدثان اهل سنت از نرمش و انعطاف خاصی برخوردار بود که نظر فیلیپ حتی را به خود جلب کرده است؛ وی با یک حوصله و دقت نظر به مقایسه فتاوی فقهی اوزاعی و ابوحنیفه پرداخته و نکات فراوانی را یادآور شده، در پایان نتیجه می گیرد که این فتاوی توأم با سماحت و نرمش و وسعت قلب او موجب شد که اسلام سریعاً در مغرب و اندلس رواج پیدا کند و دل های پیروان هر آیینی را به خود جلب نماید.<sup>۱۰۱</sup>

روزی منصور دوانیقی اوزاعی را احضار کرد و پرسش های فراوان نمود، همه پرسش ها رنگ سیاسی داشت و بسیار خطرناک بود، اوزاعی به همه آنها پاسخ داد، در پایان پرسید: در مورد خلافت نظر خود را بیان کن، آیا رسول خدا در این رابطه به ما توصیه فرموده است؟

اوزاعی می گوید: من به شدت احساس خطر کردم، خود را آماده مرگ کردم و گفتم: باید حق را بگویم، هر چه بااداباد، لذا گفتم: خداوند خلیفه را اصلاح نماید، اگر از پیامبر اکرم (ص) وصیتی در این رابطه بود، هرگز احدی را بر علی بن ابی طالب مقدم نمی داشت.<sup>۱۰۲</sup>

از بررسی متن کامل این گفتگو معلوم می شود که وی در

مواقع ضروری از گفتن حق کوتاهی نکرده و کلمه حق را در برابر امام باطل به صورت شفاف بیان کرده است.

### پژشک نامدار جبل عامل دو قرن سوم

از بررسی شخصیت های برجسته ای که در طول قرون و اعصار از منطقه جبل عامل برخاسته اند، استفاده می شود که از قرون اولیه، این منطقه مرکز فرهنگ و ادب، دانش و فضیلت، فقه و حدیث، طب و فلسفه، ریاضیات و نجوم، و دیگر رشته های علوم بود، برای مثال از یک دانشمند مسیحی نام می بریم که در قرن سوم در منطقه جبل عامل، در شهر بعلبک متولد شده، در این منطقه زندگی کرده، در رشته های مختلف سرآمد اقران در آن زمان شده است.

او «قسطا» فرزند «لوقا» می باشد، که علاوه بر عربی، بر زبان های سریانی و اغریقی تسلط کامل داشت و تعداد هفده جلد از کتب اغریقی را به زبان عربی ترجمه کرده و ۶۹ مجلد کتاب به رشته تحریر درآورده، که از آن جمله است: اسطرلاب کروی و شرح اقلیدس.<sup>۱۰۳</sup>

ابن ندیم عناوین چهل کتاب از تصنیفات او را برشمرده است.<sup>۱۰۴</sup> گفته می شود که قدیمی ترین اسطرلاب کروی به او مربوط می شود.<sup>۱۰۵</sup>

### جبل عامل سنگر ایمان

از بررسی حوادث و رخداد های ثبت شده در گوشه و کنار دنیا به این نتیجه می رسیم که منطقه جبل عامل دژ محکم و سنگر مستحکم اهل ایمان در طول تاریخ بود و اگر یکی از علمای شیعه در منطقه ای از سوی مخالفان اهل بیت مورد شکنجه و اذیاء قرار

۹۷. ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۳۱۵.

۹۸. همان، ص ۳۱۸.

۹۹. همان، ص ۳۱۷.

۱۰۰. همان، ص ۳۱۳-۳۴۰.

۱۰۱. فیلیپ حتی، تاریخ لبنان، ص ۳۲۹-۳۳۰.

۱۰۲. ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۳۳۳.

۱۰۳. فیلیپ حتی، تاریخ لبنان، ص ۳۳۰.

۱۰۴. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۵۳.

۱۰۵. فیلیپ، تاریخ لبنان، ص ۳۳۱.

### حوزه علمیة جزین

کهن ترین حوزه علمیة و آکادمی علمی شیعیان در جهان حوزه علمیة نجف اشرف می باشد که قریب هزار سال پیش به دست شیخ طوسی - طاب نراه - در کنار حرم مطهر مولای متقیان امیرمؤمنان (ع) بنیاد شده است.

شیخ طوسی حوزه نیرومندی در بغداد داشت، پس از ورود طغرل بیک سلجوقی به بغداد آشوب سختی علیه شیعیان بغداد به وجود آمد، خانه و کاشانه شیخ طوسی به یغما رفت، کتابخانه بی نظیر ایشان طعمه حریق گردید. ابن حجر عسقلانی می نویسد که ابن نجار گفته است: کتاب های شیخ طوسی چندین بار در میدان مسجد النصر در مقابل چشم مردم طعمه حریق شد.<sup>۱۱۰</sup>

در آن تاریخ چاپ نبود، همه کتاب ها خطی بود و طبعاً از هر کتابی یک، حداکثر دو نسخه بود. وقتی بدانیم کتابخانه شیخ طوسی هشتاد هزار نسخه خطی داشت و همه اش در میان احقاد بدر و حنین طعمه حریق شد، عمق فاجعه روشن می شود.<sup>۱۱۱</sup>

پس از این فاجعه دلخراش شیخ طوسی به نجف اشرف مشرف شده، در میان آن همه خطر جانی که شب و روز او را تهدید می کرد به سال ۴۴۸ قمری حوزه علمیة نجف اشرف را بنیاد نهاد.

قرن های متممادی شیفتگان علوم اسلامی از اقطار و اکناف جهان به شهر مقدس نجف اشرف شرفیاب شدند و در حریم حرم علوی به آموزش معارف اهل بیت پرداختند.

پس از حمله مغول و فاجعه بزرگ بغداد (۶۵۶ قمری) مهاجرت به نجف با مشکلات فراوان مواجه شد و دلباختگان علوم علوی به منطقه جبل عامل رفته، از خرمن علمی شخصیت های برجسته ای چون شهید اول به خوشه چینی پرداختند و به این گونه بود که جبل عامل مهد معارف و مرکز حوزه های جهان تشیع گردید. و بزرگ ترین حوزه علمیة قرن هشتم به دست شهید اول در سال ۷۷۱ قمری در «جزین» تأسیس گردید.<sup>۱۱۳</sup> جزین زادگاه

۱۰۶. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۱۳، ص ۲۸۷.

۱۰۷. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵۰، ص ۳۳۷، رقم ۴۸۶.

۱۰۸. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۴۹۷.

۱۰۹. سید حسن امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج ۶، ص ۱۲۵.

۱۱۰. ابن حجر، لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۵۳، رقم ۴۵۲.

۱۱۱. برای توجه خوانندگان گرامی به عمق فاجعه یادآور می شویم که کتابخانه آستان قدس رضوی، در حدود هزار سال است که در کنار حرم مطهر امام رضا (ع) پابرجاست و کتاب هایی در آن موجود است که قبل از چهارصد قمری تاریخ وقف دارد، ولی هنوز تعداد نسخه های خطی غیر مکرر آن از مرز هشتاد هزار نگذشته است.

۱۱۲. العارف الزین، العرفان، ج ۲۷، ص ۴۶۲.

۱۱۳. علی مروءة، تاریخ جباع، ص ۳۲.

می گرفت، به این منطقه پناه می برد.

اگرچه اغلب منابع و مدارک مربوط به این بخش از تاریخ در حمله ددمنشانه احمدپاشا جزار از بین رفته، ولی آنچه از کتب تاریخ عمومی به دست رسیده گویای این حقیقت است. اینک برای اثبات این نکته به مهاجرت یکی از بزرگان شیعه به این منطقه اشاره می کنیم:

او «ابوالقاسم، نجیب الدین، حسین بن عود، اسدی حلّی» است که حافظ ابن کثیر او را این گونه می ستاید: او بزرگ شیعه، پیشوای شیعه و دانشمند برجسته آنها بود. او صاحب فضیلت بود و در رشته های علوم فراوان دست داشت. او خوش اخلاق، خوش رفتار و صاحب لطایف نادر بود. او شب ها مداومت به تهجد و عبادت فراوان داشت و شعر نیکو می سرود.

او در سال ۵۸۱ قمری دیده به جهان گشود و در رمضان امسال (۶۷۷ق) دیده از جهان فرو بست و ۹۶ سال داشت.<sup>۱۰۶</sup>

ذهبی داستان مفصلی نقل می کند که منتهی به مهاجرت ایشان به جبل عامل می شود و در پایان می گوید: ابن العود از حلب مهاجرت کرد و در روستای جزین که پناهگاه رافضی ها بود مأوی گزید، پس شیعیان به او روی آوردند و مقدمش را گرامی داشتند، او در اواخر عمرش متدین و متعبد بود و شب ها را با شب زنده داری سپری می کرد.

آن گاه سوگنامه ای را در حق وی نقل کرده، تاریخ وفاتش را در شب نیمه شعبان ۶۷۷ قمری ثبت می کند.<sup>۱۰۷</sup>

از این عبارت به روشنی استفاده می شود که منطقه جبل عامل در قرن هفتم پناهگاه مطمئن شیعیان بود و علمای شیعه در آن جا مورد تکریم و احترام بودند.

اگرچه در عهد فاطمیان در تمام بلاد شام، از سوریه و لبنان و فلسطین و طرابلس تشیع حاکم بود، ولی ذهبی از انتشار مذهب شیعه در جبل بالخصوص سخن گفته است.<sup>۱۰۸</sup>

از بررسی حوادث و رخدادهای ایام سیطره صلیبی ها بر منطقه، استفاده می شود که جبل عامل در آن جنگ ها سقوط نکرد و به عنوان سنگر تشیع محفوظ ماند، حتی مدارس دینی به تلاش علمی خود ادامه داد و هرگز تعطیل نشد.<sup>۱۰۹</sup>



شهید و خاستگاه صدها فقیه فرهیخته در طول تاریخ است.

فخر شیعہ، تاج شریعت، ابو عبدالله، شمس الدین محمد، بن جمال الدین مکی، مشهور به «شهید اول» به سال ۹۳۴ قمری در جزین متولد شد. نسب او به حارث همدانی، یار وفادار امیر مؤمنان (ع) می‌رسید. ۱۱۴

او در شانزده سالگی برای ادامه تحصیلات عازم عتبات شد. در سال ۷۵۱ قمری در حله از «فخر المحققین» به دریافت اجازه نایل آمد. ۱۱۵ در ۲۱ سالگی به زادگاه خود بازگشت. شهید در اجازه‌ای که به ابن خاتون داده فرموده: من از چهل تن از علمای عامه در مکه، مدینه، بغداد، مصر، دمشق، بیت المقدس و مقام حضرت خلیل روایت می‌کنم. ۱۱۶

از این تعبیر معلوم می‌شود که وی با آن همه مشکلات و خطرات، با وسایل آن روز به این دیار دور و دراز مسافرت نموده و از چهل محدث اهل سنت اجازه روایت دریافت کرده است.

اما روایات اهل بیت عصمت و طهارت را از بیش از یک هزار طریق از علمای شیعه روایت می‌کرد. ۱۱۷ با توجه به تاریخ شهادت ایشان در سال ۷۸۶ قمری (یعنی در ۵۲ سالگی) معلوم می‌شود که او آیه‌ای از آیات الهی بوده است.

در اجازه‌ای که استادش فخرالمحققین در سال ۷۵۱ قمری به او داده، می‌نویسد: بر من قرائت کرد مولانا، امام، علامه اعظم، افضل علمای عالم، سید فضلالی بنی آدم، مولانا شمس الحق والدین محمد بن مکی ... ۱۱۸

در خور توجه است که فخر المحققین این اجازه را هنگامی به شهید نوشته که او هفده ساله بود.

مشهور است که وی کتاب لمعه را در زندان در مدت یک هفته نوشته و جز کتاب مختصر النافع به هیچ کتاب دیگری دسترسی نداشته است. ۱۱۹ کتاب لمعه بیش از هفت قرن است که از متون حوزه‌های علمیه می‌باشد.

شهید پس از رسیدن به قله علوم و هرم معارف، حوزه علمیه جزین را در زادگاه خود تأسیس کرد و شاگردان زیادی در آن مهد تشیع تربیت نمود.

قبلاً اشاره کردیم پیش از شهید اول در جزین مدرسه علمیه بوده و طلاب علوم دینی در آن اشتغال داشتند، ولی در عهد او به اوج شکوفایی رسید و شاگردان زیادی از آن برخاستند، در گزارش‌های آن روز آمده است:

در آن زمان در جزین مسجد جامع با مناره‌ای بلند و مدرسه‌ای آباد بود، که دوازده استاد مهم در آن جا به تدریس اشتغال داشت. ۱۲۰

تعداد علمای مبرّزی - که در مدارس جزین تربیت شده به بالاترین مدارج علمی راه یافتند - آن قدر زیاد بود که نقل شده در تشییع جنازه یکی از شخصیت‌های جزین، هفتاد نفر از علمایی که به مقام اجتهاد نایل شده بودند، حضور داشتند ۱۲۱ و این رقم بسیار بالا و شگفت‌انگیزی است.

از شهید اول بیش از یک صد اثر علمی بر جای مانده که از مشهورترین آنها اربعین، الفیّه، بیان، دروس، ذکری، لمعه و نقلیه می‌باشد. ۱۲۲

با شکوف شدن حوزه علمیه جزین دل‌های دشمنان اهل بیت پراز کینه و حسد شد. بر اثر احقاد بدر و حنین دو تن از خیره سرهای مرتد به نام‌های تقی الدین جبلی خیامی و یوسف بن یحیی فتاوی ناروایی را به شهید نسبت دادند و طوماری تهیه کردند و به امضای هفتاد تن از مردم جبل، و ۱۰۰۰ تن از دیگر مناطق رسانیده، به نزد قاضی عبادین جماعه بردند، او براساس مذهب شافعی او را در یکی از قلعه‌های دمشق با وضع بسیار فجیعی حبس کرد، سپس او را مجبور به توبه کرد، ولی شهید امتناع ورزید؛ ۱۲۳ آن‌گاه به فتاوی قاضی برهان الدین مالکی او را گردن زدند.

جالب توجه است که قاضی برخاست، وضو گرفت، دو رکعت نماز خواند، سپس با قصد قربت گفت: من به هدر بودن خون او فتوا دادم. پس او را گردن زدند، سپس به دار آویختند، آن‌گاه پیکر مقدسش را سنگبازان کردند، سرانجام آن را آتش زدند. ۱۲۴ این فاجعه دلخراش در روز پنجشنبه، نوزدهم جمادی الاولی، سال ۷۸۶ قمری اتفاق افتاد.

۱۱۴. سید حسن صدر، تکملة اهل الأمل، ص ۳۶۵، رقم ۳۵۵.

۱۱۵. شهید اول، کتاب الاربعین، حدیث دوم.

۱۱۶. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۱۹۰.

۱۱۷. سید حسن صدر، تکملة اهل الأمل، ص ۳۹۵، رقم ۳۵۵.

۱۱۸. علامه مجلسی، بحار الانوار، ص ۱۷۸.

۱۱۹. سید حسن صدر، تکملة اهل الأمل، ص ۳۶۷.

۱۲۰. ابوشقراء، المحرکات اللبانیة، ص ۱۵۱.

۱۲۱. علی مروة، تاریخ جباع، ص ۳۳.

۱۲۲. تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، قرن هشتم، ص ۲۰۶.

۱۲۳. زیرا اگر استفغار می‌کرد، از نظر قاضی مالکی جرم ثابت می‌شد.

۱۲۴. سید حسن صدر، تکملة اهل الأمل، ص ۳۷۱، رقم ۳۵۵.

شوهرخاله اش، علی بن عبدالعالی، مشهور به محقق کرکی به ادامه تحصیل پرداخت. ۱۲۹

وی در اواخر ۹۲۳ قمری از میس به کرک رفته، از محضر سید حسن بن سید جعفر، صاحب المحجة البيضاء استفاده ها برد. ۱۳۰ یک سال بعد به جبع بازگشته، سپس به دمشق رفته، در سال ۹۳۸ هـ. به زادگاهش بازگشت. چهار سال بعد به دمشق رفته، صحیحین را در نزد ابن طولون خوانده، اجازه روایتی دریافت نمود. ۱۳۱

آنگاه به مصر رفته از شانزده تن از علمای اهل تسنن اجازه دریافت کرد، که اسامی آنها را محدث نوری برشمرده است. ۱۳۲ پس از هژده ماه توقف در مصر به زیارت خانه خدا مشرف شده، پس از ادای مناسک حج به زادگاه خود بازگشت. ورود وی به جبع موجب تأسیس حوزه ای نیرومند در آن منطقه شده، علاقه مندان زیادی از اقطار و اکناف جهان به آن سو، روی آوردند. در آن هنگام شهید ۳۳ سال داشت و به عالی ترین مقام اجتهاد رسیده بود، ولی به شدت در کتمان آن می کوشید. تأسیس حوزه علمی جباع و تدریس فقه استدلالی موجب شد که اجتهادش بر سر زبان ها بیفتد و دیگر کتمان سودی نداشت. ۱۳۳

از دیگر سفرهای پر بار او مسافرت به استانبول بود که از او گواهی نامه قاضی صیدا را مطالبه کردند، او مدت هژده روز در منزل نشست، کتابی درباره ده مسأله از مشکلات علوم نوشت، آن را به نزد قاضی استانبول فرستاد و گفت: این، گواهی نامه من است. قاضی استانبول گواهی نامه ارزشمندی به او داد و کرسی تدریس بعلبک را به او سپرد.

شهید پس از سه ماه توقف در استانبول به عتبات عالیات مشرف شده، پس از درک عرفه در کربلا، غدیر در نجف، و مباحله در کاظمین به بعلبک رفته، به مدت پنج سال در مدرسه نوری به تدریس فقه در مذاهب پنجگانه پرداخت. ۱۳۴

۱۲۵. علامه امینی شرح حال صدها تن از علمای بزرگ شیعه را که در راه دفاع از مکتب و مذهب اهل بیت به شهادت رسیده اند در کتاب گران سنگ شهداء الفضله گرد آورده است.

۱۲۶. شیخ حرّ عاملی، اهل الأمل، ج ۱، ص ۸۵.

۱۲۷. خوانساری، روضات الجنات، ج ۳، ص ۳۵۳.

۱۲۸. المعارف الزین، العرفان، ج ۲۷، ص ۶۳۰.

۱۲۹. سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۷۴.

۱۳۰. خوانساری، روضات الجنات، ج ۳، ص ۳۵۳.

۱۳۱. سید محسن امین، اهیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۴۸.

۱۳۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۲۶.

۱۳۳. خوانساری، روضات الجنات، ج ۳، ص ۳۶۳.

۱۳۴. سید محسن امین، اهیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۵۲.

احقاد بدر و حنین سابقه ای بس طولانی دارد، گاهی در مدینه، در کوچه های بنی هاشم خودنمایی می کند، گاهی در دشت کربلا خیمه آل الله را طعمه حریق می سازد، گاهی شعله های آن در کرخ بغداد کتابخانه شیخ طوسی را نشانه می رود، گاهی کتابخانه های جبل عامل را در عکا طعمه آتش می سازد و گاهی اجساد مطهر پاک ترین انسان ها را به تلی از خاکستر تبدیل می کند.

تاریخ مرجعیت شیعه در طول قرون و اعصار در برابر قاضی های فاقد تقوا، سرنوشت مشابهی داشت، زندان و شکنجه و تبعید و اعدام را به جان خرید تا در مرزبانی و مرزداری از حریم مکتب اهل بیت کوتاهی نکرده باشد. ۱۲۵

#### حوزه علمی جباع

پس از شهادت مظلومانه شهید اول حوزه علمی جزین کم فروغ شد، سپس درگیری های مختلفی در جبهه داخل و خارج در گرفت، دیگر جزین مرکزیت خودش را از دست داد، ولی در نقطه دیگری به نام «جباع» حوزه نیرومندتری تأسیس شد.

این حوزه را یکی دیگر از تبار شهیدان بنیاد نهاد و خود سرانجام به خیل شهیدان پیوست و در تاریخ به نام «شهید ثانی» شهرت یافت.

او سرآمد فقهای شیعه، نابغه زمان، نادره دوران، استوارترین استوانه فقاقت، زین الدین، بن علی، بن احمد بن محمد بن جمال الدین بن تقی الدین بن صالح عاملی جبعی مشهور به: «شهید ثانی» می باشد. ۱۲۶

نیاکان ششگانه اش همگی از بزرگان دانش و تقوا و از اجله علمای شیعه بودند و نیای ششم ایشان «شیخ صالح» شاگرد میرز علامه حلی بود. ۱۲۷ دوازده تن از نوادگان او نیز از علمای برجسته جهان تشیع بودند که به «سلسله الذهب» شهرت یافتند. ۱۲۸

شهید ثانی به سال ۹۱۱ قمری در جبع دیده به جهان گشود، مقدمات را از محضر پدر بزرگوارش فراگرفت. بیش از چهارده بهار از عمرش نگذشته بود که پدرش درگذشت، به دنبال ارتحال پدر در سال ۹۲۵ قمری به «میس» رفته، در محضر

در مدت تدریس شهید در بعلبک آوازه اش در سراسر منطقه پخش می شود و موجب حسد علمای دیگر مذاهب می شود. پس از ارسال نامه های فراوان به دربار عثمانی، سلطان سلیمان قانونی حکم دستگیری او را صادر می کند.

مأموری که او را به استانبول می برد، تحت تأثیر یکی از دشمنان اهل بیت، او را به کنار دریای مرمره برده، سر مقدسش را از تنش جدا می کند و سرش را به نزد سلطان می برد. سلطان از مشاهده این ماجرا خشمگین شده، دستور می دهد که قاتل را گردن بزنند. این فرمان به پیشنهاد سید عبدالرحیم عباسی (صاحب معاهد التنصیص) انجام می پذیرد. ۱۳۵

پدر شیخ بهایی می گوید: چهارده سال پیش بود که همراه شهید ثانی به استانبول رفتم، در نقطه ای رنگ شهید تغییر یافت و به من فرمود: در این نقطه، خون مرد با فضیلتی ریخته می شود. پس از شهادت وی معلوم شد که درست در همان نقطه او به شهادت رسیده است. ۱۳۶

ولادت شهید ثانی روز ۱۳ شوال ۹۱۱ قمری در جبع، ۱۳۷ و شهادت ایشان روز جمعه، در ماه رجب، به سال ۹۶۶ قمری در حال تلاوت قرآن، در کنار دریای مرمره اتفاق افتاد. ۱۳۸ از شهید ثانی بیش از هشتاد اثر ماندگار در حوزه های فقه و اصول و درایه و معارف و اخلاق و ادب بر جای مانده، که مشهورترین آنها کتاب شرح لمعه است. ۱۳۹

مهمترین اثر ماندگار شهید ثانی حوزه علمی جبع می باشد که صدها دانشمند ارزشمند از آن برخاسته و هر یک مشعلدار دانش و فضیلت در حوزه ای از حوزه های علمی جهان شده اند. بیش از پنجاه تن از فرهیختگان حوزه علمی جبع را صاحب اعیان الشیعه بر شمرده است. ۱۴۰

پس از تلاش و کنکاش علت تسمیه این سرزمین به جبع و جباع معلوم نشد. گفته می شود که این کلمه ریشه عبری دارد و به معنای تل می باشد و چون این ناحیه در کوهپایه و بر فراز تل است به آن جباع گفته اند.

چون دو روستای دیگر در شوف و فلسطین به همین نام موجود است، به جباع جبل عامل: «جباع الحلاوة» می گویند.

جباع همواره مرکز حوزه های علمی بود و بیش از پانصد اثر ارزشمند در این قریه به رشته تحریر درآمده است. ۱۴۱ بعد از جزین، جباع کهن ترین مرکز علمی در جبل عامل می باشد. ۱۴۲

اخیراً کتاب تحقیقی ارزشمندی در این رابطه به نام تاریخ جباع تألیف شده که نکته های ارزشمندی پیرامون این منطقه

فضیلت پرور گرد آورده، شرح زندگانی بیش از شصت تن از فرزندان این منطقه را بیان کرده است. ۱۴۳

گروهی از شخصیت های برجسته لبنان بر آن تقریظ نوشته اند که بخش هایی را برای آگاهی خوانندگان گرامی می آوریم:

۱. مؤلف دائرة المعارف بیستانی: در این کتاب شرح حال شصت تن از مردان اندیشه و فرهیختگان دانش و فضیلت را که در قرن های مختلف از منطقه جبع، کانون فرزندان و بازار عکاظ ادیبان برخاسته اند را آورده است. ۱۴۴

۲. امام موسی صدر: جباع، این واژه زیبایی که خداوند آن را برکت داده و به آن اذن ترفیع داده، پس آن را چون شجره طیبه ای قرار داده، که ریشه اش استوار و شاخه هایش پر بار است... جباع جاوید است به جاودانگی اسلام و مذهب اهل بیت. جباع صفحات نورانی تاریخ لبنان است.

از نسیم جباع نغمه های ثقافت و هدایت برمی خیزد. از اوراق زرین تاریخ جباع درس تلاش و کنکاش و پیکار و جهاد و ایثار و فداکاری و رهابخشی و شهامت و سماحت و شجاعت آموخته می شود. ۱۴۵

۳. دکتر صلاح الدین منجد: تاریخ جباع با انوار درخشانی که از فرهنگ اسلام در جهان تابانده و همه جهانیان را تحت پوشش خود قرار داده، برای همیشه زنده و جاوید است. ۱۴۶

۱۳۵. افندی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۷۵.

۱۳۶. مدرس، ریحانة الادب، ج ۳، ص ۲۸۸.

۱۳۷. شیخ علی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۸۳.

۱۳۸. زرکلی، الأهلیم، ج ۳، ص ۶۴؛ کحاله، معجم المؤلفین، ج ۴، ص ۱۹۳؛ تفرشی، نقد الرجال، ص ۱۴۵.

۱۳۹. مدرس خیابانی عنوانین ۸۳ اثر از آثار ارزشمند شهید ثانی را به ترتیب

حروف الفبا آورده است «ریحانة الادب»، ج ۳، ص ۲۸۰-۲۸۳.

۱۴۰. سید حسن امین، غلط جبل عامل، ص ۲۱۲.

۱۴۱. علی مروءه، تاریخ جباع، ص ۲۷.

۱۴۲. محمد کاظم مکی، الحركة الفکرية فی جبل عامل، ص ۳۳.

۱۴۳. علی مروءه، تاریخ جباع، (چاپ اول، دارالاندلس، بیروت، ۱۳۸۷ قمری، ۵۵۸ صفحه).

۱۴۴. علی مروءه، تاریخ جباع، مقدمه دکتر فؤاد افرام بیستانی، ص ۴.

۱۴۵. همان، مقدمه امام موسی صدر، ص ۱۰.

۱۴۶. همان، مقدمه دکتر صلاح الدین منجد، ص ۱.

شاه اسماعیل صفوی، بنیانگذار صفویان، هنگامی که مذهب شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کرد به شماری از علمای برجسته شیعی در سطح بسیار بالا احساس نیاز کرد، تا حوزه های علمیه را اداره کنند، برای حوزه های علمیه کتاب درسی تألیف کنند، در میان مردم فتوا و قضاوت و حل دیگر مشکلات مذهبی را بر عهده بگیرند، معارف اهل بیت را در سرتاسر ایران پهناتور آن روز آموزش دهند و لذا شماری از علمای بزرگ جبل عامل را برای پر کردن این خلأ علمی و فرهنگی دعوت نمود.

از شخصیت های برجسته ای که در آن مقطع از حوزه علمیه جباع به ایران مهاجرت نمود، شاگرد برجسته شهید دوم شیخ حسین عاملی (پدر شیخ بهایی) بود.

شیخ فرزند کوچک خود بهاء الدین را با خود همراه آورد که بعدها مشهورترین دانشمند جهان شد و به نام شیخ بهایی اشتهار یافت و در اصفهان سمت شیخ الاسلامی را به خود اختصاص داد.<sup>۱۵۰</sup>

#### یک آسمان ستاره

با نگاهی گذرا به دستاورد حوزه علمیه جزین و حوزه علمیه جباع، نقش حوزه های جبل عامل در سرتاسر جهان اسلام روشن می شود، و لذا به گزارش کوتاهی از شهید قاضی نورالله تستری، صاحب احقاق الحق و مستشهد (۱۰۱۹ قمری) بسنده می کنیم:

تجلی انوار رحمت الهی همیشه شامل اهل جبل عامل بوده و نور محبت خاندان (رسالت) از ناحیه ایمان ایشان چون بارقه نور، از شاهق طور، ظهور می نمود. و هیچ قریه ای از آن نیست که جمعی از فقها و فضلاء امامیه در آنجا نباشد.<sup>۱۵۱</sup>

با توجه به گزارش بالا و دقت در تعبیر والای آن یگانه زمان، به این نتیجه می رسیم که عنوان «یک آسمان ستاره» برای اختران فروزان و ستارگان درخشانی که از افق جبل عامل طلوع کرده، در آسمان دانش و فضیلت نورافشانی کرده، خورشیدوار همه بلاد اسلامی را از ماء معین و سرچشمه زلال معارف اهل بیت سیراب نموده، و به پیروی از پیشوای مظلوم خود هر ستمی را به

۴. شیخ عبدالله نعمه: در آن روزگار تاریک که جهان در ظلمت جهالت و تاریکی شب دیجور غفلت زندگی می کرد، سه منطقه ایران و عراق و جبل عامل مشعلدار دانش و فضیلت بود، زیرا به نور اهل بیت منور بود و مشعل هدایت در دست آنها در حال درخشش. حوزه های علمی جباع در آن ایام ظلمانی، بسیار پر رونق بود و تلاش های علمی آن علی رغم وضع ناهنجار قرون وسطایی در اوج درخشش بود.

علمای جبل پرچم پر افتخار معارف اهل بیت را در دست گرفته، با تأسیس مساجد و مدارس و حوزه و کتابخانه و دیگر مراکز فرهنگی نقش ممتازی را در حوزه های فقه و اصول و طب و فلسفه و ریاضیات و ادبیات ایفا کردند.

حوزه جباع بیش از دوست شخصیت برجسته، چون: شهید ثانی، شیخ بهایی، شیخ حر عاملی، کفعمی، صاحب معالم و صاحب مدارک، به جهان دانش و فرهنگ تقدیم نموده است.<sup>۱۴۷</sup>

۵. سید حسن امین: آنچه موجب شده جبع در سرلوحه مناطق نورانی جهان ثبت شود، آب و هوای لطیف، زیبایی های طبیعی و دیگر ویژگی های مادی و طبیعی آن نیست، بلکه در پرتو مردان نامی برجسته ای است که از آن برخاسته اند و در حوزه های مختلف یادگارهای ماندگار از خود بر جای گذاشته اند.<sup>۱۴۸</sup>

۶. شاعر و محقق معروف جهان مسیحیت؛ بولس سلامه؛ که خود شاخه ای از درخت تناور جبل عامل است می نویسد: یک فرد شیعه همواره اعماق مغز و زوایای فطرتش در حال شکفتن است، زیرا او همواره از حوادث جانکاهی که بر اهل بیت طیب و ظاهر گذشته است الهام می گیرد.<sup>۱۴۹</sup>

اینها بخش هایی کوتاه از گروهی از شخصیت های برجسته جهان معاصر بود که به بهانه تاریخ جباع از نقش جبع و حوزه علمیه آن در فرهنگ والای تشیع سخن گفته اند.

#### علمای جباع در سرتاسر بقاع

حوزه علمیه جباع، آن قدر دانشمند بلند پایه تربیت نمود که به سرتاسر جهان اسلام آن روز فقیه و مجتهد صادر کرد، و اینک به گزارش زیر توجه فرمایید:

۱۴۷. همان، مقدمه عبدالله نعمه، ص ۵.

۱۴۸. همان، مقدمه سید حسن امین، ص ۷.

۱۴۹. همان، مقدمه بولس سلامه، ص ۱۱.

۱۵۰. فیلیپ حتی، تاریخ لبنان، ص ۴۹۸.

۱۵۱. قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۷۷.

جان خریدیده، از هیچ خطری هراسی به خود راه نداده، ده‌ها شهید در راه دفاع از حریم ولایت در طبق اخلاص نهاده، به پیشگاه مولای پروا پیشگان تقدیم نموده؛ عنوانی شایسته و تعبیری بایسته می‌باشد.

در پایان این مقال توجه خوانندگان گرامی را به چند آمار حائز اهمیت جلب می‌نمایم؛ آمار سخن می‌گویند:

۱. شیخ حر عاملی، صاحب وسائل الشیعه، متوفای ۱۱۰۴ قمری جلد اول کتاب ارزشمند اهل‌الاکمل را به تراجم علمای جبل عامل اختصاص داده، تعداد ۲۱۴ ستاره فروزان از علمای بزرگ جبل عامل را معرفی کرده است. ۱۵۲

۲. سید حسن صدر، صاحب الشیعه و فنون الاسلام، متوفای ۱۳۵۴ قمری بر کتاب اهل‌الاکمل استدر اکی نوشته و آن را تکملة اهل‌الاکمل نام نهاده است.

وی در این کتاب تعداد ۴۴۰ نفر دیگر از فرهیختگان جبل عامل را بر شمرده است. ۱۵۳

۳. محمد علی آزاد کشمیری، متوفای ۱۳۰۹ هـ. در کتاب ارزشمند نجوم السماء فی تراجم العلماء در فصل اول کتاب که آن را نجم اول نامیده، و به شرح حال علمای قرن یازدهم اختصاص داده، جمعاً ۲۶۹ نفر معرفی کرده، که ۱۰۱ نفرشان اهل جبل عامل می‌باشند. ۱۵۴

اگر شیخ حر عاملی تعداد ۲۱۴ نفر و سید حسن صدر تعداد ۴۴۰ تن از شخصیت‌های برجسته جبل عامل را معرفی کرده‌اند، جای شگفت نیست، زیرا هر دو اهل جبل عامل می‌باشند، ولی صاحب نجوم السماء اهل کشمیر می‌باشد و نگاه کلی به فرزندان جهان تشیع در اقطار و اکناف جهان دارد. او تعداد ۲۶۹ ستاره فروزان از دانشمندان برجسته جهان تشیع را برگزیده و معرفی نموده، که بیش از سی درصد آن از جبل عامل می‌باشد و این رقم بسیار بالا و آمار بسیار حایز اهمیت می‌باشد. ۱۵۵

۴. در بخش حوزه علمیه جزین یادآور شدیم که در تشیع جنازه یکی از افراد برجسته جزین، هفتاد تن دانشمند فرزانه که به سطح اجتهاد راه یافته بودند حضور داشتند. ۱۵۶

۵. با نگاهی گذرا به دائرة المعارف بزرگ الغدیر سهم شعرای جبل عامل در زنده نگه داشتن هنگامه غدیر روشن می‌شود.

علامه امینی شعرای غدیر را به ترتیب قرون تنظیم نموده است، برای تحقیق در مورد سهم جبل عامل قرعه فال به جلد یازدهم الغدیر افتاد.

علامه امینی در این مجلد اشعار ۳۱ تن از شاعران قرن‌های

دهم تا دوازدهم را آورده است. در میان شاعران این مجلد تعداد هشت تن از جبل عامل می‌باشند و آنها عبارتند از:

۱. شیخ تقی‌الدین، ابراهیم بن شیخ زین‌الدین علی لویزی جیمی عاملی، مشهور به کفعمی، متوفای ۹۰۵ ق. ۱۵۷

۲. شیخ حسین بن عبدالصمد، عزالدین حارثی عاملی جیمی، پدر شیخ بهائی، متوفای ۹۸۴ هـ. ۱۵۸

۳. بهاء‌الدین محمد بن حسین، بن عبدالصمد حارثی عاملی جیمی، مشهور به شیخ بهائی، متوفای ۱۰۳۱ ق. ۱۵۹

۴. شیخ محمد بن علی بن احمد حرفوشی عاملی، متوفای ۱۰۵۹ ق. ۱۶۰

۵. سید نورالدین علی، بن نورالدین علی، بن حسین بن ابی‌الحسن الموسوی، عاملی جیمی، متوفای ۱۰۶۸ ق. ۱۶۱

۶. شیخ حسین بن شهاب‌الدین، بن حسین بن خاندان کرکی عاملی، متوفای ۱۰۷۶ ق. ۱۶۲

۷. شیخ محمد بن حسن بن علی بن محمد، مشهور به شیخ حرّ عاملی از تبار جناب حرّ شهید کربلا- متوفای ۱۱۰۴ ق. ۱۶۳

۸. شیخ علی بن احمد عادلی عاملی، متوفای بعد از ۱۱۲۲ ق. ۱۶۴

۱۵۲. شیخ حرّ عاملی، اهل‌الاکمل، ج ۱، چاپ بغداد، مکتبه الاندلس و نجف اشرف، مطبعة الآداب، ۲۴۲ ص، وزیری.

۱۵۳. سید حسن صدر، تکملة اهل‌الاکمل، تحقیق استاد سید احمد اشکوری، خیام، قم، ۱۴۰۶ ق. ۵۲۵ ص، وزیری.

۱۵۴. محمد علی آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، چاپ لکهنو، ۱۳۰۳ ق، ۴۲۴ ص، وزیری، افست قم ۱۳۹۴ ق، چاپ تهران، ۱۳۸۲ ش، ۵۲۷ ص، وزیری.

۱۵۵. نگارنده فقط یک بار عنوان کتاب را ورق زده است. تعداد ۱۰۱ تن عاملی را از میان علمای معرفی شده پیدا کرده است، ممکن است با دقت بیشتر تعداد بیشتری یافت شود.

۱۵۶. علی مروءه، تاریخ جیاج، ص ۳۳.

۱۵۷. علامه امینی، الغدیر، ج ۱۱، ص ۲۱۱.

۱۵۸. همان، ص ۲۱۷.

۱۵۹. همان، ص ۲۴۴.

۱۶۰. همان، ص ۲۸۵.

۱۶۱. همان، ص ۲۹۱.

۱۶۲. همان، ص ۲۹۹.

۱۶۳. همان، ص ۳۳۲.

۱۶۴. همان، ص ۳۶۴.

۵. امام سید موسی صدر؛

۶. فقید سعید سید حسن امین؛

ولی به جهت به طول انجامیدن نوشتار از آن صرف نظر نموده، به فرصتی دیگر موکول می‌نمایم.

#### کتابخانه جبل عامل

در کتاب‌های تاریخ، جغرافیا، تراجم، رجال، ادبیات، دیوان‌ها، معجم‌ها، دائرةالمعارف‌ها و... مطالب فراوان درباره جبل عامل و شخصیت‌های برخاسته از آن آمده است. در این جا فقط نام تعدادی از آثاری که مستقلاً در این رابطه تألیف شده و نگارنده در این فرصت کوتاه به آنها واقف شده، آورده می‌شود.

۱. اسماء القرى والمدن اللبنانية وتفسیر معانیها، دکتر

انیسه فریحه.

۲. امل الآمل فی علماء جبل آمل، شیخ حرّ عاملی.

۳. تاریخ جباع ماضیها وحاضرها، علی مروّ.

۴. تاریخ جبل عامل، محمد جابر.

۵. تاریخ لبنان منذ اقدم العصور التاريخية الى عصرنا

الحاضر، دکتر فیلیپ حتّی، تعریب دکتر انیسه فریحه.

۶. تکملة امل الآمل، سید حسن صدر ۱۶۷

۷. جبل عامل السیف والقلم، سید حسن امین.

۸. جبل عامل فی التاريخ، شیخ محمدتقی فقیه.

۹. جبل عامل فی قرن، حمیدرضا رکنی.

۱۰. جبل عامل فی قرنین، شیخ علی سبیتی.

۱۱. جواهرالحکم، شیخ محمد مغنیه.

۱۲. الحركات فی لبنان، ابوشقراء.

۱۳. الحركة الفكرية فی جبل عامل، محمد کاظم مکی.

۱۴. خطط جبل عامل، سید محسن امین.

۱۵. المرآت، شیخ محمدجواد مغنیه.

۱۶. الوضع الحاضر فی جبل عامل، شیخ محمدجواد مغنیه.

با نگاهی گذرا به جلد یازده الغدیر دریافتیم که بیش از یک چهارم شعرای غدیر در قرون دهم تا دوازدهم، اهل جبل عامل بوده‌اند، و این جای شگفت نیست، زیرا شیعیان جبل عامل عشق به اهل بیت را از نخستین معمار فکری خود حضرت ابوذر آموخته‌اند و همواره از مکتب خود دفاع کرده‌اند و هر خطری را در این راه به جان خریدند.

شاعران حماسه سرای شیعی همواره در صف مقدم شاعران متعهد و هدفمند بوده‌اند، زیرا اشعار آنها از سینه سوخته و دل برافروخته نشأت گرفته است و لذا در سویدای دل مستمعان جای می‌گیرد.

نگارنده توفیق نیافت که آماری از شاعران مرثیه سرای جبل عامل فراهم کند، ولی بی‌گمان آمار درخور ملاحظه‌ای در این رابطه به دست می‌آید، فی‌المثل عبدالسلام بن رغبان، شاعر حماسه سرای قرن سوم، مشهور به دیک الجن چکامه‌های ارزشمندی درباره هنگامه عاشورا دارد. ۱۶۵

شهاب‌الدین اسماعیل بن حسین عودی عاملی، متوفای ۵۸۰ قمری اشعار بسیار لطیفی پیرامون حماسه کربلا دارد که در ادب‌الطف آمده است. ۱۶۶

اگر شاعران مرثیه سرای جبل عامل در مجموعه‌ای گرد آید، بُعد دیگری از ابعاد نقش جبل عامل در گسترش فرهنگ شیعه روشن خواهد شد.

#### سخن آخر

نگارنده به هنگام انتخاب این نوشتار برای کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه شرف‌الدین در نظر داشتم که شرح حال مشروحی درباره شخصیت‌های برجسته جبل عامل ارائه نمایم، به ویژه در خصوص شخصیت‌های معاصر که با آنها مراوده داشتم و خاطرات ماندگاری از آن نادره‌های زمان داشتم، چون:

۱. استاد علامه، شیخ محمدجواد مغنیه؛

۲. شهید بزرگوار، آیت‌الله سید محمدباقر صدر؛

۳. شهید سعید، سید محمد صدر؛

۴. آیت‌الله سید رضا صدر؛

۱۶۵. سید محسن امین، اعیان‌الشیعه، ج ۸، ص ۱۲-۱۵.

۱۶۶. شهید سید جواد شیر، ادب‌الطف، ج ۳، ص ۲۱۹.

۱۶۷. استدراک‌های دیگری بر امل الآمل از قبیل تمسیم امل الآمل و تعلیقه امل الآمل در دسترس بود، ولی چون به علمای جبل عامل اختصاص نداشت معرفی نشد.